



# تأثیر تمدن اسلامی بر معماری افغانستان



داکتر سید علی اقبال

از آنجاکه فرهنگ نقش مهمی در تمدن و مدنیت دارد باید به تعریف جایگاه فرهنگ در تمدن پرداخت. تمدن به عنوان شاخصه توسعه یافتگی دارای دو وجه است: ۱. فرهنگ ۲. تکنولوژی یا فناوری.

تمدن از ریشه مدرن و هم خانواده مدینه و مدنیت است که می‌توان آن را برخورداری گروه اجتماعی از دست‌آوردهای انسانی، فرهنگی و همچنین مواهب علمی، فنی و طبیعی تعریف کرد. بی‌جهت نیست که تمدن به شهرنشینی، مدنیت،

در تعریف فرهنگ اسلامی گفته‌اند: فرهنگ اسلامی مجموعه‌ای از اعتقادات و اصول اسلامی، آداب، رسوم، اخلاق و ارزش‌ها و قوانینی است که از وحی سرچشمه گرفته است. در طبقه‌بندی هنر از مصداق‌های مختلف هنر می‌توان به معماری اشاره کرد که این نوع هنر کاربردی‌ترین موضوع هنری است که علاوه بر دارا بودن ویژگی‌های هنری، فضای محاط بر زندگی انسان را تشکیل داده و بسیاری از نیازهای انسانی را برآورده می‌کند.

ارتباط لغوی پیدا می‌کند؛ زیرا مظهر این فرایند را می‌توان در یک شهر مشاهده کرد و معیار فرهنگی، روابط اجتماعی، اعتقادات و باورها و... را به‌عنوان تجلی فرهنگی و تکنولوژی به‌کاررفته در ساخت شهر، سیستم حمل‌ونقل شهری، زیرساخت‌های شهری و میزان بهره‌برداری شهروندان از خدمات شهری را می‌توان معیار برخورداری فنی و تکنولوژی دانست.

بنابراین می‌توان فرهنگ را محتوی تمدن دانست که با شهرسازی و مسائل شهری ارتباط دارد. صرفاً برخورداری از تکنولوژی برتر معیار تمدن بودن نیست؛ بلکه برخورداری از فرهنگ غنی، نحوه بهره‌برداری از تکنولوژی مناسب و به‌کارگیری هنر در جهت خلق فضاهای شهری، استفاده از هنر معماری که جلوه‌های فرهنگ در آن متجلی باشد و ابعاد انسانی در آن رعایت شده باشد معیار برتری است.

فرهنگ عبارت از مجموعه ارزش‌های مادی و معنوی است که توسط انسان‌ها در طی تاریخ انسانی آفریده شده است. هر فرهنگی در هر دوره‌ای مبین میزان، سطح پیشرفت و ترقیبات فنی، تجربیات تولیدی در کار، وضع آموزش و پرورش، علوم، ادبیات، هنرها، آرمان‌ها و نهادهای اجتماعی معین از زندگی انسان‌هاست.

هنر در لغت به معنای فن، صنعت، علم، معرفت، امری همراه با ظرافت و ریزه‌کاری و آن درجه از کمال است که فراست و فضل را در برداشته و نمود آن صاحب‌هنر را برتر از دیگران بنمایاند. در تعریف هنر، کیاست، زیرکی، لیاقت، کفایت و کمال نیز آمده است (دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷: ج ۱۵).

رابطه بین هنر و دین، از موضوع‌های مهمی است که در آثار برخی دانشمندان مسلمان و نامسلمان به آن توجه شده است. در این مورد برخی معتقدند که دین و هنر دو مقوله جدا از هم هستند و هنر نباید در هیچ محدودیتی حتی محدودیت دینی قرار گیرد. عده‌ای دیگر معتقدند که هنر باید در محدوده دین حرکت کند و در خدمت دین باشد؛ یعنی هنر و دین رابطه متقابل با یکدیگر دارند و هنر نباید از ارزش‌های اخلاقی و دینی دور بماند (سایت اینترنتی راسخون).

هنر اسلامی با استناد به کتب و اسناد تاریخی معتبر، با ظهور دین اسلام متولد شد و با کسب تجاربی از هنرهای دوره‌های پیشین شروع به رشد کرد و گسترش یافت و در قرون هشتم تا یازدهم هجری قمری به اوج خود رسید. می‌توان گفت که هنر اسلامی تلفیقی از روش‌هایی است که در هنرها و سنت‌های مشرق زمین وجود داشته است.

با در نظر گرفتن آثار هنری در کلیه آثار تاریخی درمی‌یابیم که در دوران هنر اسلامی چگونه از آن موضوعات استفاده شده است. تا جایی که برای هنرمندان مسلمان امکان داشته است از هنر معماری در مساجد، مدارس و حتی بناهای عام‌المنفعه نظیر کاروانسراها، آب‌انبار، بازار و... استفاده شده است تا آن

حد که منجر به ابداع طرح‌هایی جدید نظیر نقوش اسلیمی و ختائی در دوران اسلامی گردید.

جلوه و زیبایی معماری به‌ویژه در دوران اسلامی متکی به تزئیناتی است که ریشه‌های اعتقادی در آن وجود دارد. کتیبه‌ها، آجرکاری‌ها، گچ‌بری‌ها، کاشی‌کاری‌ها، حجاری‌ها، منبت‌کاری، آئینه‌کاری و نقاشی در تمامی ادوار اسلامی رواج داشته و در هر دوره‌ای با امکانات آن روزگاران پیشرفت کرده و سیر تکاملی را پیموده است.

معماری را در لغت به معنای آبادسازی و آبادانی گویند که مفهوم فراتر از ساخت‌وساز را در خود دارد. معماری را علم و هنر شکل‌دهی به فضای زیستی انسان نیز تعریف کرده‌اند. همچنین معماری به‌عنوان یک موضوع پلی‌تکنیک همواره مورد نظر است و فصل مشترک سه حوزه علم، فن، علوم انسانی و هنر است (سید جواد امامی: ۲۵).

معماری اسلامی شیوه‌ای از معماری است که تحت تأثیر فرهنگ اسلامی به وجود آمده و دارای ویژگی‌های مربوط به همان دوره است. این‌گونه از معماری شامل معماری گسترده‌ای از جهان می‌شود که ما با عنوان جهان اسلام می‌شناسیم. معماری این کشورها تحت تأثیر ایدئولوژی اسلام در طول زمانی مشخص قرار گرفته و به همین خاطر دارای برخی ویژگی‌های مشترک شدند.

جهان اسلام از نظر گستره مکانی شامل سرزمین‌های مانند هند، افغانستان، کشورهای آسیای میانه و قفقاز، ایران، عراق، ترکیه، سوریه، فلسطین، مصر، تونس، الجزایر و مراکش است. گستره زمانی معماری جهان اسلام را می‌توان از سال‌های اولیه ظهور اسلام تا پیش از گسترده‌ی عام معماری مدرن دانست. با این حال نمی‌توان این گسترده‌ی و نقش اثرگذار در معماری را در همه مناطق یکسان دانست.

آثار معماری، در قالب موضوعات ساختمان، اغلب به‌عنوان نمادهای فرهنگی، سیاسی، هنری، تاریخی و نهایتاً به‌عنوان نشانی از مدنیت در یک جامعه درک می‌شوند. تمدن‌های تاریخی اغلب با بقایا و دست‌آوردهای به جای مانده از همین سبک‌های معماری و بناهای تاریخی شناخته می‌شوند.

منار جام در غور، آثار تاریخی موجود در غزنی، کابل، بلخ و هرات و سایر شهرهای افغانستان نشانه‌های از عظمت و شکوه و مدنیت است. وجود این آثار در شهرها علاوه بر دارا بودن سابقه تاریخی دارای ارزش‌های فرهنگی و هنری در دوره اسلامی نشان‌دهنده سابقه و حضور برجسته فرهنگ و هنر اسلامی در این سرزمین است.

اهمیت معماری اسلامی وقتی به خوبی آشکار می‌شود که به کاربرد مادی و معنوی بناها و ساخته‌های دوره اسلامی توجه شود. برای دریافت اهمیت این ویژگی‌ها در گسترش معماری شایسته است تا طبقه‌بندی بناهای دوره اسلامی و کاربرد آنها

امروزه بسیاری از مساجد جامع به‌جای مانده در دوره اوج هنر معماری اسلامی در افغانستان به‌عنوان مراکز مهم تاریخی و دینی محسوب می‌شوند. هنوز از جایگاه خاصی برخوردارند که به‌عنوان نمونه می‌توان به مسجد جامع هرات، مسجد و زیارتگاه روضه سخی در مزار شریف، مسجد جامع پل خشتی در شهر کابل و مسجد جامع قندهار را نام برد که بررسی جنبه‌های هنری و معماری آن را در این مقاله نمی‌گنجد.

را مشخص کنیم.

به‌طور کلی شهر در دوره قبل از اسلام، طی دوره‌ای نسبتاً طولانی، تحول تدریجی خود را از نظامی تا اجتماعی پشت سر نهاد و تغییر شکل یافت. این تغییرات در ساختار اجتماعی-اقتصادی و یا تغییر در ساختار فیزیکی در بخش‌های زیر تحقق یافته است:

### ۱. کهندژ

کهندژ که هسته اول شهر را تشکیل می‌داد، شامل قصر یا کاخ امپراتوری و بخش نظامی بود. این بخش با حصارهای بلند خود از بخش‌های دیگر جدا می‌گردید.

### ۲. شارستان

شارستان (شهرستان) که محلات شهر را به وجود می‌آورد و محصور بود.

### ۳. بخش بیرونی شهر

بخش بیرونی شهر که «سواد» یا حومه خوانده می‌شد، شامل مزارع و باغات بود (نظریان، ۱۳۸۷: ۱۷).

مسجد، نخستین وجه تمایز شهر مسلمان‌نشین از «ده» بود؛ یعنی فرق روستاها در آغاز شهرهای اسلامی، داشتن یک مسجد جامع بود که نماز جمعه در آن برگزار می‌گردید. در شهرهای اسلامی سنتی هر محله مسجدی داشت که علاوه بر عبادت، آموزش افراد محله را نیز به عهده می‌گرفت. مسئولان محلی در صورت نیاز به آسانی می‌توانستند با شهروندان تماس بگیرند و اطلاعات لازم را کسب کنند.

در این گونه شهرها بر اساس احساس دینی از زندگی، استقلال هر مؤمن، حرمت حریم خانواده‌ها و امنیت و خلوت‌گزینی شکل گرفته بود. این طرز تلقی از زندگی کاملاً در ساخت کالبد شهرهای اسلامی مؤثر افتاده است. بادوام بودن مرزهای محلات و خانه‌ها، بن‌بست بودن کوچه‌ها و محله‌ها، داشتن نوعی استقلال در واحدهای مسکونی و زندگی مشترک همه مردم محله نمونه روشن آن است.

هر بازار محله‌ای برای طبقه کم‌درآمد و محل اشتغال به شمار می‌رفت. محله به‌مثابه خانه خانواده‌ها بود و وابستگی محله‌ای بسیار عمیق می‌نمود. حریم محله محترم شمرده می‌شد. نوعی بازار با اصناف جداگانه، چند کاروانسرا و گرمابه نیز در آن وجود داشت. دنیای کوچکی با تشکیلات متحدالمرکز بود مبتنی بر سلسله‌مراتب که آرمان مذهبی و اجتماعی اسلام در آن تجسم یافته بود (شکویی، ۱۳۶۵: ۲۰۱).

برطبق ویژگی‌هایی که شهرنشینی و شهرسازی پس از حاکمیت اسلام دارا شد تغییراتی در ساخت شهرها صورت گرفت «توسعه شهرنشینی باعث گسترش حومه، ریبض، شهرها شد. این حومه‌ها که در زمان ساسانیان از مهاجران و روستاییان ساکن در آنها تشکیل شده بود، از نظر شهری تکامل یافته و دارای فضاها و نهادهای شهری شده و

به‌طور کلی بناهای دوره اسلامی را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: بناهای مذهبی، شامل مساجد، آرامگاه‌ها، مدارس، حسینیه‌ها، تکایا و مصلاها و بناهای غیرمذهبی شامل پل‌ها، کاخ‌ها، کاروانسراها، حمام‌ها، بازارها، قلعه‌ها و آب‌انبارها (فرخی، ۱۳۹۰).

در میان مهم‌ترین بناهای دوره اسلامی به مساجد می‌توان اشاره کرد که علاوه بر نقش دینی و عبادی کارکردهای مهم اجتماعی نیز داشته‌اند و دارند. از طرفی هنر ساخت و تزئینات به‌کاررفته در مساجد نیز گواه فرهنگ‌های حاکم بر محدوده‌های جغرافیایی است که مساجد در آنها ساخته شده‌اند. همچنین مساجد نوع و سبک معماری خاص یک دوره را به تصویر می‌کشد.

امروزه بسیاری از مساجد جامع به‌جا مانده در دوره اوج هنر معماری اسلامی در افغانستان به‌عنوان مراکز مهم تاریخی و دینی محسوب می‌شوند. هنوز از جایگاه خاصی برخوردارند که به‌عنوان نمونه می‌توان به مسجد جامع هرات، مسجد و زیارتگاه روضه سخی در مزار شریف، مسجد جامع پل خشتی در شهر کابل و مسجد جامع قندهار را نام برد که بررسی جنبه‌های هنری و معماری آن را در فرصت این مقاله نمی‌گنجد.

### بنیاد اندیشه

تابستان ۱۳۹۴

اهمیت بیشتری نسبت به شارستان پیدا کرد (مشهدی‌زاده دهقانی ۱۳۷۳: ۲۴۵).

بازارها که قبلاً در نزدیکی دروازه‌های شهر جای داشتند از یک سو در امتداد راه‌های اصلی به مرکز شهرها ختم می‌شد. از سوی دیگر در امتداد راه‌ها و جاده‌های اصلی قرار داشت که به بیرون شهر ادامه و گسترش می‌یافتند و دارای فضاها و عناصر داخلی و شهری شدند. هر قسمت و فضایی به عرضه یا تولید کالاهایی خاص اختصاص یافت و کاروانسراها و انبارهایی نیز برای جوابگویی به نیازهای جدید ایجاد شد.

هسته اصلی بسیاری از شهرهای امروز افغانستان نیز مبتنی بر وجود همین بازارهاست که از دیرباز به عنوان مرکز اصلی شهرها محسوب می‌گشتند؛ مانند شهرهای بلخ، هرات، کابل و بازار تاشقرغان که نمونه‌هایی بارز می‌باشند. از طرفی قرارگیری شهرهای افغانستان در مسیر جاده ابریشم که بقایای کاروانسراها، آب‌انبارها و قلعه‌های قدیمی، سیمای کالبدی این شهرها را در دوران اسلامی نشان می‌دهد، نشان‌دهنده رونق این شهرها در گذشته‌های نه‌چندان دور است.

مساجد به‌ویژه مسجد جامع مرتبط با بازار از نظر فضا در نزدیکی ارگ، در مرکز قدیمی شهر و یا در ربض ساخته شد. از بازارها که ستون فقرات شهرها را تشکیل می‌دادند کوچه‌هایی چون خط سیرهای ثانوی جدا می‌شدند. علاوه بر کاروانسراها، حمام‌ها، مدارس و انبارهای غله، آب‌انبارها، مهمان‌خانه‌ها و فضاهای دیگر شهری در نزدیکی ستون فقرات جای گرفته‌اند (همان: ۲۰۵).

در شناخت سیمای بیرونی شهرهای اسلامی می‌توان به نشانه‌هایی اشاره کرد که علاوه بر کاربردهای شهرنشینی، هدایت‌کننده مسافران به طرف مقصدهای آنان بوده‌اند. مناره‌ها در شهرهای اسلامی چنین کارکردی داشته‌اند. در شناخت سیمای درونی شهرهای اسلامی در درجه اول می‌توان سردر مساجد، خانه‌ها، آب‌انبارها و بازارها را مشاهده کرد. کاشی‌کاری‌ها، قوس‌های تزئینی و هنرنمایی‌هایی که در ساختن گنبد مساجد و یا ساختمان‌های خصوصی و عمومی به کار می‌رفته، ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه سیمای شهرها را به نمایش می‌گذاشتند؛ یعنی (نشانه‌های مهمی که در سیمای داخلی شهرهای اسلامی به آنها اشاره شد نقش راهیابی را به‌خوبی در شهرها ایفا می‌کرده‌اند؛ به‌عنوان مثال مناره‌ها راهنمای عابرانی بوده‌اند که به طرف مساجد و یا فضاهای اطراف آنها و یا مراکز محلات و شهر حرکت می‌کرده‌اند (همان: ۲۷۵).

منار جام در ولایت غور یکی از این آثار مهمی است که نظریات مختلفی درباره دلایل ساخت چنین اثر ارزشمند مطرح گردیده است. برخی نظریات دلیل ساخت آن را هدایت مسافرن دانسته‌اند که از آن به‌عنوان کهن‌ترین و سالم‌ترین بنای

خشک و گل جهان نام‌برده است. این منار در قرن دوازدهم میلادی ساخته شده و ۶۵ متر ارتفاع دارد. این بنا بعد از قطب منار در دهلی نو هندوستان بلندترین مناره خشتی جهان است. در شهرهای اسلامی فضاهایی مانند مسجد جامع، بازار، مرکز حکومت، فضاهای مسکونی و سایر فضاها ضمن آنکه هرکدام کارکرد خاص خود را داراست که در سلسله‌مراتب فضاهای شهری با هم مجموعه واحدی را پدید می‌آورند که شهر را از نظر فضای واحدی منسجم و به‌هم‌پیوسته نشان می‌دهد. عناصر اصلی مجموعه شهری در شهرهای اسلامی عبارت‌اند از:

#### ۴. ارگ و بارو

ارگ مجموعه‌ای از ساختمان‌ها و تشکیلات و سازمان حکومتی شهر را در خود جای می‌داده و مقرر حاکم بوده است. ارگ در ارتباط فضایی با بازار و مسجد جامع قرار داشته است. این خصوصیات در آثار به‌جامانده بسیاری از قسمت‌های قدیمی شهرها قابل مشاهده است. ارگ در «سمرقند» و «بخارا» خود بخشی از قلعه بوده و در مجاور مراکز اقتصادی و مذهبی قرار داشته است (نظریان، ۱۳۷۴: ۱۷).

ارگ هرات، قلعه اختیارالدین، یکی از مهم‌ترین آثار به‌جامانده از دوره اسلامی است. اگرچه ساخت این ارگ در سال ۱۳۰۵ میلادی صورت گرفته؛ اما مسکن‌گزینی در اینجا به دوران باستان برمی‌گردد. قلعه اختیارالدین در طول تاریخ چندین بار ویران شده است؛ به‌طورمثال تیمور آن را ویران کرد؛ اما شاهرخ پسر او آن را بازسازی کرد.

#### ۵. مسجد جامع

مسجد در شهر مهم‌ترین بنای عمومی تلقی شده و در تفکر مربوط به شهرسازی اسلامی موقعیت زیربنایی می‌یابد. با هجوم عرب و فتح نواحی و شهرهای مختلف، مساجد توسط آنها در شهرها ساخته می‌شد که نشانه مسلمان شدن رسمی اهالی شهرها بود. این مساجد ابتدا در کنار شهرها بنا می‌شد تا اینکه در طی زمان به‌گونه تازه قلب شهرها پذیرای آنها گردید (مشهدی‌زاده دهقانی، ۱۳۷۳: ۲۷۹).

#### ۶. بازار

دومین عامل اصلی در شکل‌گیری شهرهای اسلامی بازار است. هر شهر حداقل یک بازار به‌صورت خطی داشت که از دروازه آغاز می‌شد و به میان شهر می‌رسید و در پیرامون مسجد جامع امتداد می‌یافت.

به‌طورکلی بازار از مشخصه‌های مهم شهرهای اسلامی محسوب می‌شود که هنوز هم با گذشت قرن‌ها ارزش و اعتبار خود را از دست نداده است. اساساً فضای بازار تنها به دادوستد و بازرگانی اختصاص نداشت بلکه به‌مثابه مهم‌ترین شاهراه حیاتی شهر برخی عناصر مهم شهری را در خود جای می‌داد.

منار جام در ولایت

غور یکی از این

آثار مهمی است که

نظریات مختلفی درباره

دلایل ساخت چنین

اثر ارزشمند مطرح

گردیده است. برخی

نظریات دلیل ساخت

آن را هدایت مسافرن

دانسته‌اند که از آن

به‌عنوان کهن‌ترین و

سالم‌ترین بنای خشک و

گل جهان نام‌برده است.

این منار در قرن دوازدهم

میلادی ساخته شده و

۶۵ متر ارتفاع دارد. این

بنا بعد از قطب منار

در دهلی نو هندوستان

بلندترین مناره خشتی

جهان است

به طور کلی بازار از مشخصه‌های مهم شهرهای اسلامی محسوب می‌شود که هنوز هم با گذشت قرن‌ها ارزش و اعتبار خود را از دست نداده است. اساساً فضای بازار تنها به دادوستد و بازرگانی اختصاص نداشت بلکه به مثابه مهم‌ترین شاهراه حیاتی شهر برخی عناصر مهم شهری را در خود جای می‌داد.



خارجی، بازار به عنوان سنگر اجتماعی مردم فعال می‌شد. اگر معماری اسلامی را از نظر جهانگردان غربی مورد ارزیابی قرار بدهیم به خوبی در می‌یابیم که اولین آثاری که توجه جهانگردان غیرمسلمان را به خود جلب کرد، مساجد و بقاع متبرکه در این سرزمین‌ها بوده است (کیانی، ۱۳۷۴: ۱۰). این گونه مساجد و مکان‌های متبرکه در شهرهای افغانستان نیز وجود دارد؛ مانند زیارتگاه منتسب به حضرت علی در مزار شریف، امامزاده یحیی در شهر سرپل، خواجه عبدالله انصاری در هرات و سایر زیارتگاه‌های که در شهرهای مختلف وجود دارند.

#### منابع

- الف. کتاب‌ها و مقالات
۱. امامی، سید جواد. جزوه درسی اصول و مبانی معماری و شهرسازی. دانشگاه علم و صنعت ایران. تهران.
۲. خبرگزاری مهر. (۱۳۸۶). مبانی حکمی معماری اسلامی. جایگاه ممتاز معماری اسلامی در هنر جهان. تهران.
۳. خزایی، محمد. مقاله «نمادگرایی در هنر اسلامی». مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی.
۴. روزنامه رسالت. (۱۳۸۹). بررسی مفهوم فرهنگ. تهران. شماره ۷۱۷۰.
۵. سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۶۲). روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران. تهران: انتشارات آگاه.
۶. شکوهی، حسین. (۱۳۶۵). جغرافیای اجتماعی شهرها. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۷. علی‌اکبر دهخدا. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. فرخی، مهدی. (۱۳۹۰). مطالعه درباره معماری اسلامی. روزنامه کیهان. تهران. [www.kayhannews.ir](http://www.kayhannews.ir)
۹. کریستن پرایس. (۱۳۶۴). تاریخ هنر اسلامی. ترجمه: مسعود رجب نیا. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
۱۰. کیانی، محمد یوسف. (۱۳۷۴). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
۱۱. گوستاولویون. (۱۳۸۲). تمدن اسلام و عرب. ترجمه: سید هاشم حسینی. تهران: دنیای کتاب.
۱۲. مشهدی زاده دهقانی، ناصر. (۱۳۷۳). تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۳. نظریان، علی‌اصغر. (۱۳۷۴). جغرافیای شهری ایران. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

ب. وبسایت‌ها

1. <http://rasekhoon.net/article/rssservice/rsscatartical-781>
2. <http://www.aftabir.com/entertainment/communications/sociology/cultural>
3. <http://farhang.iauda.ac.ir>
4. <http://ipfi.mshdiau.ac.ir/index.php/home.html>
5. <http://www.jamejamonline.ir>
6. [www.ipfi.mshdiau.ac.ir](http://www.ipfi.mshdiau.ac.ir)
7. [www.aftabir.com](http://www.aftabir.com)

بازار از نظر کارکردهای اجتماعی - اقتصادی قدرت و دامنه نفوذ وسیعی داشت؛ یعنی «ویژگی‌های کارکردی بازار و پیوند با مراکز سه‌گانه سیاسی، اقتصادی و مذهبی موجب جریان یافتن همه فعالیت‌های اجتماعی به سوی بازار می‌شد و در هنگام بحران‌های اجتماعی، سیاسی، به خصوص در مقابله با عوامل